انترناسیونال 816

کاظم نیکخواه

**اهمیت شعار "نان کار آزادی اداره شورایی"**

شعار "نان کار آزادی، اداره شورایی" یکی از شعارهایی بود که در اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در آبان ماه سال گذشته توسط اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران و هزاران کارگر اعتصابی سر داده شد و فصل تازه ای را در مبارزات کارگران گشود. پس از آن دانشجویان در تظاهرات و اعتراضات متعدد خود این شعار را سر دادند و معلمان و بازنشستگان نیز در مدیای اجتماعی و بر روی بنرهای اعتراضی خود آنرا بارها مطرح کردند و بلند کردند.

این شعار بطور واقعی یکی از شعارهای تاریخی این دوره از جنبش اعتراضی در ایران است و جهت گیری رادیکال و چپ و سوسیالیستی اعتراضات را در توازن قوای موجود بطور مشخص مورد تاکید قرار میدهد. بعبارت دیگر این شعار مهر این دوره از اعتراضات اجتماعی را بر خود دارد و از این زاویه باید درک و ارزیابی شود. این شعار شکل مشخصی از ابراز وجود جناح چپ و سوسیالیستی کارگری در مرکز جامعه در ماههای اخیر بوده و جبنش چپ را بسیار مطرح کرده و تقویت نموده است. همانگونه که در جاهای دیگری تاکید کرده ایم شعارهای اعتراضات توده ای در سالهای اخیر در ایران در اساس و مضمون خود اغلب مضمونی ضد سرمایه داری و ضد امتیازات طبقاتی دارند و به این اعتبار بسیاری از آنها بازتاب گرایش قدرتمند کارگری و سوسیالیستی در شرایط موجود هستند. اینکه کارگران و مردمی که شعارهایی مثل "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی" یا "ملک نجومی تو مارا بی مسکن کرده" و امثال اینها را سر میدهند چقدر به مضمون چپ آن ها توجه یا آگاهی داشته باشند یا نه، تغییری در این واقعیت نمیدهد. بدون تردید اکثر رهبران اعتراضات جایگاه چپ این شعارها را میدانند. اما شعار "نان کار آزادی، اداره شورایی" نه فقط در مضمون بلکه از نظر جایگاه و تداعی شدن و شکل مشخص خود نیز به چپ تعلق دارد. این شعار تاکیدی است در شرایط کنونی بر خواست طبقاتی و تاریخی کارگران برای دستیابی به رفاه و آزادی و اختیار در جامعه. در تمام ادوار کارگران برای این خواستها جنگیده اند و مبارزه کرده اند. بویژه وقتی "اداره شورایی" در کنار "آزادی و نان" مطرح میشود همه جامعه را متوجه چپها و کمونیستها میکند.

ایرادی که از این شعار میگیرند کلمه "کار" است. از جمله گفته میشود که خواست کار یعنی طلب استثمار. و کارگران خواستشان از دولت و کارفرمایان "کار" نیست بلکه حتی در صورت بیکاری، بیمه بیکاری و معیشت را طلب میکنند نه کار را. یا اینکه نان و کار با هم معادلند و کارگری که نان داشته باشد دیگر دلیلی ندارد که طلب کار کند. این ایرادات اگر از جنبه نظری صرف بررسی شوند میتواند درست باشد. اما مساله در حوزه مجادله تئوریک- نظری نیست، بلکه موضوع در حوزه پراتیک- سیاسی در اوضاع سیاسی مشخص و ویژه ایران است و بوضح میتوان دید که این شعارموقعیت طبقه کارگر و چپ و سوسیالیسم را تحکیم میکند. اولا بطور واقعی بارها در همین ماههای اخیر اعتراضات و تجمعات کارگران بیکار در مقابل وزارت کار و مراکز دولتی با خواست کار یا بازگشت به کار در مناطق مختلف در ایران به جریان یافته است و ما بدرست از این اعتراضات فعالانه دفاع کرده ایم. ثانیا خواست کار بویژه وقتی که در کنار "نان و آزادی و اداره شورایی " مطرح میشود، شکلی از تعرض کارگران و بخشهای مختلف مردم علیه حکومت و سیستم ورشکسته سرمایه داری در ایران را معنی میدهد. در برابر ورشکستگی اقتصادی ای که هرروز شمار گسترده ای از کارگران و معلمان و جوانان را به بیکاری میراند و حکومت هیچ پاسخی به آن ندارد، شعار "کار" نیز بویژه در کنار شعار آزادی و اداره شورایی هم بسیج کننده است و هم نوعی تعرض به ارکان حکومت را معنا میدهد. جمهوری اسلامی امکان تامین کار برای میلیونها کارگر بیکار را ندارد و کارگران شاغل نیز هزار هزار بیکار میشوند. کارگرانی که امروز شعار "نان و کار و آزادی" را سر میدهند در واقع بر حق زندگی و معیشت خود تاکید میکنند. ما همیشه در رابطه با بیکاری میلیونها نفری بر خواست "یا کار یا بیمه بیکاری" تاکید کرده ایم. همانگونه که این شعار در مقابله با شرایط مشخص امروز درست است، شعار "نان کار آزادی اداره شورایی" نیز در کلیت خود یک شعار چپ و رادیکال و سوسیالیستی است که در اعتراضات امروز جامعه بلند شده است و به این دلیل باید مورد حمایت جدی کمونیستها قرار گیرد.

نکته اصلی که در بررسی هر شعاری باید به آن توجه جدی کرد جایگاه و وزن سیاسی شعارها از نظر اجتماعی است. اینکه یک شعار در شرایط مشخص اجتماعی چه جایگاه و معنایی پیدا میکند و چه سیگنالی از نظر سیاسی و طبقاتی به جامعه میدهد، از کلماتی که در آن شعار بکار رفته بسیار مهمتر است. برای نمونه شعار "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه" را که در جنبش سرنگونی سال ٧٨ سرداده شد و به یکی از شعارهای فراموش نشدنی این دوره تبدیل شد، اگر از نظر تک تک کلمات تجزیه و تحلیل کنیم قطعا به جای درستی نمیرسیم. بسیاری شعارهای دیگر در جنبش اعتراضی و سرنگونی نیز دقت تئوریک ندارند اما تاثیرات مثبت مهمی داشته اند و کاملا قابل دفاعند. حتی شعار "مرگ بر دیکتاتور" را اگر با دقت بررسی کنیم متوجه میشویم که دقیق نیست. اما این شعارها در کلیت خود شعارهای رادیکال و تعرضی و ضد حکومت اسلامی در جنبش سرنگونی در دوره های گذشته تاکنون بوده است و ما به همین دلیل از آنها بعنوان شعارهای مهم و تاریخی سرنگونی طلبانه و ضد مذهبی مردم، بدرست دفاع کرده ایم و باید دفاع کنیم. خیلی از شعارهای دیگر هم همین وضعیت را دارند.

توده کارگران و مردم در اعتراضات خود به فرهنگ لغات رجوع نمیکنند. بلکه در خیلی موارد فی البداهه در عکس العمل به اوضاع و رویدادهای معینی شعارهایی را طرح میکنند. و این شعارها بسته به وزن و مربوط بودن به اوضاع و توجه بر انگیز شدن، نقش بسیج کننده پیدا میکند یا اینکه کنار میرود. شعار "نان کار آزادی اداره شورایی" به همین دلیل که ابراز وجود گرایش چپ و رادیکال را در توازن قوای معینی بازتاب میدهد و به دلیل چفت شدن به خواستهای کارگران و مردم قدرت بسیج توده ای دارد و غیره، مورد توجه و استقبال گسترده ای قرار گرفته است. توده ای شدن این شعار و راه یافتن آن به میان بخشهای مختلف جامعه، هم قدرت و گستردگی جنبش چپ در جامعه را نشان میدهد و هم به نوبه خود در تقویت و گسترش گرایش چپ تاثیر مستقیم دارد. اهمیت سیاسی این شعار در بردن ایده شورا و معیشت و آزادی به میان توده مردم از زاویه چپ است و از این زاویه باید مورت توجه و حمایت قرار گیرد.

قطعا در فضای رادیکالی که در جامعه وجود دارد و توازن قوای تازه ای که علیه حکومت دارد ایجاد میشود، در آینده نزدیک شاهد طرح شعارهای گویاتر و دقیق تری با مضمون چپ و کارگری و سوسیالیستی از جانب رهبران کارگری و رهبران اعتراضات اجتماعی خواهیم بود و باید تلاش کنیم که شعارهای بیشتری با مضمون آزادی و رفاه و حکومت شورایی و حکومت کارگری و سوسیالیسم به عرصه جنبش سرنگونی و جنبش های اعتراضی راه پیدا کنند.\*